



۲۰۱۷/۰۵/۰۳

ولی احمد نوری

ای ماه، بازتاب بناگوش کیستی؟

استقبال استاد عبدالرحمن پژواک از یک مصراع "رهی معیری"

ای صبح نو دمیده بناگوش کیستی
وی چشمه حیات لب نوش کیستی؟

رهی معیری

** * **

پژواک گنگ

عبدالرحمن پژواک

- | | |
|----------------------------------|-----------------------------------|
| ای ماه بازتاب بناگوش (۱) کیستی؟ | آینه فروغ بر و دوش کیستی؟ |
| این داغ یادگار لب آتشین کیست؟ | ای لاله ساتگین (۲) لب نوش کیستی؟ |
| از بیم باغبان نگشائی به خنده لب | ای غنچه محرم (۳) لب خاموش کیستی؟ |
| عشق مرا نهفته ای یا عشق خویش را؟ | در حُجله (۴) گناه خطاپوش کیستی؟ |
| با گیسوی گشوده و با چشم نیم باز | در بستر خیال در آغوش کیستی؟ |
| من مست آن نگاه گنه آفرین تو | تو مست از چه باده و در هوش کیستی؟ |

۱- بُناگوش: بُن گوش، بیخ گوش، پشت گوش، نرمه گوش

۲- ساتگین: ساتگینی، ساتگن، ساتگی، ستاکن، ساتکین، قدح شراب، قدح بزرگ شراب که آن را لبریز کرده و بر سر سفره می گذاشتند

۳- محرم: خودی و خویش نزدیک، خویشاوندی که زناشویی با او حرام باشد. جمع آن محارم

۴- حجله: اتالیقی که عروس و داماد شب اول عروسی را در آنجا بسر ببرند

ای خاطرات خفته رویای زندگی تعبیر خواب های فراموش کیستی؟

رمزیست درنگاه خموشت که آشناست پژواک گنگ (۵) ناله خاموش کیستی؟

پژواک، از سکندر(۶) و آینه بی نیاز،

درویش مُستمند (۷) نمدپوش(۸) کیستی؟

** * **



۵- گنگ: گنگه، کسی که گپ زده نمی تواند

۶- سکندر: اسکندر، مأخوذ از کلمه اروپایی الکساندر، نام پسر فیلیپ پادشاه مقدونیه که با چهل هزار سپاهی به پارس (بخشی از ایران امروز) حمله کرد و در ۳۳۱ پیش از میلاد داریوش را شکست داد و کاخ های با شکوه شهنشاهان پارس را آتش زد. سپس رو به سوی آریانا (افغانستان امروز) آورد شش ماه در این سرزمین میان شکست و پیروزی دست و پا زد. داستان این دوران را استاد پژواک در شعر "مردان گنگ پاروپامیزاد" تصویر کرده است.

۷- مُستمند: بینوا گنگ، بیچاره، اندوهگین، گله مند

۸- نمد: پارچه ضخیمی که از پشم می مالند و از آن کلاه فرش و سایر اسباب می سازند

۹- قبا: نوعی لباس بلند، لباس بلند مردانه، جمع آن اقبیه